

دوم اردیبهشت روز توجه جامعه به دانشگاه



حسن ثابتی
روزنامه‌نگار

در تقویم رسمی کشور، بسیاری از روزها وجود دارند که به مناسبت‌های مختلف نامگذاری شده‌اند. تولد یا مرگ فرد بزرگی یا یک واقعه اجتماعی حتی سرکوب، تجمع یا کشتار، برخی از این موارد است. به‌عنوان مثال روز کارگر یا روز پزشک یا روز معلم یا روز کارآفرینی. حوادثی که منجر به این نامگذاری‌ها شده در میان بسیاری از مردم و حتی صنف مرتبط چندان مدنظر نیست بلکه موضوع مهم توجه جامعه در آن روز به آن قشر است؛ بهانه‌ای برای تجلیل یا بررسی مسائل و مشکلات. اما سوالی که وجود دارد این است که در تقویم رسمی چه روزهایی برای دانشگاه وجود دارد؟ شاید روز دانشجو، روز معلم، روز وحدت حوزه و دانشگاه روز جهانی علم در خدمت صلح، روز پژوهش و... در نگاه اول به ذهن همه برسد. البته همه این موارد به نوعی به جزئی از دانشگاه مرتبط است اما هیچ کدام دانشگاه را به‌عنوان یک کل یکپارچه مدنظر ندارد. اما روزهایی هستند که در ظاهر کمتر به موضوع دانشگاه مرتبطند اما شاید خیلی بیشتر از موارد قبلی به دانشگاه نظر دارند. اولین آنها اول مهر و آغاز سال تحصیلی است. البته این روز هم در آذهای جامعه بیشتر یادآور آغاز سال تحصیلی مدارس است. روز مهم دیگری که به تمام معنا به دانشگاه نظر دارد، دوم اردیبهشت یعنی سالروز اعلام انقلاب فرهنگی است. این ایام در سال ۵۹ و ماه‌های قبل و بعد از آن ماه‌هایی تاریخی و بزرگ برای دانشگاه ایرانی است؛ چراکه در این ایام دانشگاه مکرر موضوع مباحثات مردم در کوچه و خیابان، تیتراژ اول بسیاری از روزنامه‌ها و رسانه، دستور جلسات بسیاری از مدیران و مسئولان کشور و محل توجه بسیاری از نخبگان و اندیشمندان است. به‌طور خلاصه کلیت و اصل و اساس دانشگاه، محل توجه جدی عموم جامعه قرار می‌گیرد. شاید اینکه برخی جریانات در مورد اصل دانشگاه تردید کنند از منظر برخی نکته‌ای منفی برای دانشگاه باشد اما دانشگاهیان و اهل علم می‌دانند که مساله شدن یک امر زمانی است که موافقان و مخالفان جدی برای آن موجود باشد. به هرحال اینکه چه اتفاقات سیاسی و اجتماعی منجر به این توجه عمومی شد، این توجه چه زاویه‌دید و کیفیتی و چه نتایجی برای دانشگاه داشت، قطعاً سوالاتی قابل بررسی است، اما هیچ مورخی در اصل این توجه عمومی تردید ندارد. چیزی که ما به آن خواهیم پرداخت این سوال است که چرا دوم اردیبهشت متأسفانه دیگر روز دانشگاه نیست؟ چرا در این روز رسانه‌ها و جامعه و صاحب‌نظران مانند بقیه مناسبت‌ها به بررسی مسائل دانشگاه یا تقدیر و تجلیل از آن نمی‌پردازند؟ بررسی ساده نشان می‌دهد تقریباً هیچ برنامه مستمر و جدی‌ای در این روز به این منظور اتفاق نمی‌افتد. چرا؟ مهم‌ترین علت جداشدن دانشگاه از دوم اردیبهشت، دوقطبی کاذبی بود که در فضای سیاسی- اجتماعی در سالیان دراز پس از بازگشایی دانشگاه‌ها رخ داد. از یک طرف مخالفان انقلاب فرهنگی در هر ایامی که به نوعی به این موضوع مرتبط می‌شد با حمله به آن و نشان دادن اتفاقات سال ۵۹ ضدید آن به علم و آزادی و استقلال دانشگاه را به رخ می‌کشند و از طرفی موافقان هم متغزلانه با توجیه اتفاقاتی مانند اینکه دانشگاه‌ها تبدیل به اتاق جنگ شده بود، نشان می‌دهند انقلاب اسلامی مخالف علم و آزادی نیست و تعطیلی دانشگاه‌ها اجتناب‌ناپذیر بوده است. این تقابل سیاسی اینقدر ادامه پیدا می‌کند که اصل پرداختن به دانشگاه و مسائل و دستاوردهای آن تحت الشعاع قرار گرفته و کم‌کم تبدیل به کلیشه شده است که دوم اردیبهشت یعنی روز موافقان و مخالفان سیاسی انقلاب فرهنگی است. همین موضوع منجر به فاصله تصور جامعه از دوم اردیبهشت شد. فراموش شد انقلاب فرهنگی برای کجا و چرا و چگونه اتفاق افتاد. خلاصه‌موضع دانشگاه از انقلاب فرهنگی جدا و انقلاب فرهنگی خود تبدیل به موضع مستقل برای دعوای سیاسی شد.

راه‌حل این مشکل «احیای دوم اردیبهشت» است. ممکن است برخی این گونه برداشت کنند که ما با گفت‌وگو درباره انقلاب فرهنگی مخالفیم و قصد پاک کردن صورت‌مسئله را داریم. اما اتفاقاً ما طرفدار بحث جدی در این خصوص هستیم؛ اما نه جنگ زرگری بین دوگانه‌های کاذب و غیرعلمی. چرا که واقعیت انقلاب فرهنگی ممزوج با دانشگاه است و جدا کردن آن - که توسط موافقان و مخالفان هر دو اتفاق افتاده است- تحریف تاریخ است و دوم اینکه توجه جامعه به دانشگاه امروز از ضروری‌ترین امور است. به هر حال دوم اردیبهشت روز گفت‌وگو درباره دانشگاه و مسائل و دستاوردهای آن است. این گفت‌وگو زمانی در فضای عمومی جامعه احیا خواهد شد که منظرهای جدی و علمی به آن پرداخته شود. ازجمله نکاتی که این گفت‌وگوی علمی می‌طلبد: عدم‌خلط بین هدف و نتیجه انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌هاست. یعنی برخی وقتی مخالف می‌کنند گویی درباره وقایع رخ داده مثل اخراج اساتید، تعطیلی دانشگاه، گزینش سرفصل‌ها و... صحبت می‌کنند و اما موافقان درباره اهداف و انگیزه‌ها و مقاصد آن مثل اسلامی کردن دانشگاه، استقلال دانشگاه پیوند جامعه و دانشگاه و... بین هدف و نتیجه تفاوت است. اگر بحث از اهداف و انگیزه‌هاست باید به پیام‌ام، خطبه‌ها، سخنرانی‌ها و تبیین‌های آن زمان پرداخت و این بحث نظری می‌خواهد که این اهداف مطلوب بوده یا چه ابعادی داشته است. اما اگر بحث از عملکرد و نتایج انقلاب فرهنگی است، به مطالعات تاریخی نیاز است. اگر انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها برای ما مهم است اگر انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها برای ما مهم است، چه در جهت موافق یا مخالف، باید مشخص کنیم بحث سیاسی کلیشه‌ای داریم یا بحث فلسفی و نظری یا بحث تاریخی.

درباره نتیجه و عملکرد نهایی انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها نیز باید به وقایع تاریخی اوایل انقلاب نگاه جامعی داشت. در کنار تعطیلی دانشگاه‌ها، اخراج برخی اساتید، تجدیدنظر در سرفصل‌ها و دروس و زد و خوردها و درگیری‌ها، باید به موج بازگشت دانشجویان ایرانی خارج از کشور، نهضت ترجمه رخ داده در مرکز نشر دانشگاهی در ایام تعطیلی دانشگاه، فضای بازخوانی و تفکر درباره هویت رشته‌ها و سرفصل‌های آموزش و نقد آنها، فکر تأسیس نهاد‌های آموزش عالی با رویکرد جدید مثل دانشگاه تربیت مدرس، امام صادق (ع)، مشارکت دانشجویان و دانشگاهیان در اداره دانشگاه‌ها و انتخاب روسای دانشگاه‌ها، آغاز به کار سازمان‌های علمی مانند جهاد دانشگاهی و انتشارات هشت، نزدیکی اندیشمندان غیردانشگاهی به دانشگاه‌ها مثل روشنفکران و حوزویان و امثال آن هم توجه کرد و درباره آن مطالعه داشت.

به هر صورت باید هر سال در دوم اردیبهشت رسانه‌ها و مجموعه‌های دانشجویی با فراهم کردن زمینه گفت‌وگو میان جریانات فکری دانشگاه‌پژوهی بحث‌های جدی در این خصوص را پیگیری کنند و همچنین پژوهشگران و اساتید با مطالعه دقیق و عمیق روی جنبه‌های بیان شده در احیای دوم اردیبهشت مشارکت کنند.

انقلاب فرهنگی ودانشگاهی که تعطیل نشد



صادق واعظزاده

وقتی دانشگاه‌ها تعطیل شد، شورای مرکزی دفتر تحکیم و گروهی از دانشجویان در مرکزیت تحکیم در انجمن‌های اسلامی به‌طور تمام‌وقت مشغول شدند و ارتباط با نهادها و گروه‌ها، تأسیس جهاد دانشگاهی، همکاری و رایزنی با ستاد انقلاب فرهنگی، انتشار نشریه وحدت، برنامه‌ریزی و برگزاری اردوهای عقیدتی - سیاسی، موضع‌گیری‌های سیاسی دفتر تحکیم وحدت و... را برعهده گرفتند و بقیه به‌طور مستقل یا از طریق کمیته جذب نیرو در نهادهای انقلابی، که تازه درحال شکل‌گیری بودند، مشغول شدند و به تناسب توانایی‌ای که داشتند با علت دیگر، خیلی زود در سطوح مختلف تا بالاترین رده‌های مسئولیتی به کار پرداختند.

جهاد سازندگی از مهم‌ترین نهادهایی بود که پذیرای بسیاری از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌ها شد. جهاد در آن زمان درحال گسترش بود، در بسیاری از زمینه‌ها ورشته‌ها و در همه شهرستان‌ها احتیاج به نیروهای جوان دانشگاهی داشت، بنابراین کمیته جذب نیرو خیلی از دانشجویان را به جهاد معرفی کرد. در اوایل کار، دفتر تحکیم وحدت در ساختمان جهاد سازندگی در ساختمان شمال غربی میدان انقلاب بود، قرار داشت. البته ارتباط انجمن‌های اسلامی با جهاد سازندگی از قبل از انقلاب فرهنگی وجود داشت و بسیاری از دانشجویان در رده‌های مختلف آن از شورای مرکزی گرفته تا شورای استان‌ها و شهرستان‌ها مشغول شده بودند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز

در لابه‌لای حوادث انقلاب فرهنگی آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته ابعاد سیاسی ماجرا بوده و کمتر به سایر ابعاد آن توجه شده است. مهم‌ترین اثر این انقلاب فرهنگی مشارکت دانشجویان در مسائل اصلی

خیلی از دانشجویان را جذب کرد. اصولاً خیلی از فرماندهان و مسئولان سپاه در بدو امر دانشجو بودند و با توجه به فعالیت‌های چندبعدی گسترده‌ای که سپاه داشت گروهی از دانشجویان جذب آن شدند. نهادهای انقلابی دیگر مثل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، نهادهای فرهنگی و هنری مثل حوزه هنری هم برخی دانشجویان را در خود جای دادند. از دستگاه‌های سنتی بیش از همه آموزش و پرورش بود که با توجهی که بزرگانی همچون شهید رجایی و شهید باهنر داشتند، دستخوش تغییر و تحول بود و خیلی از دانشجویان را جذب کرد. حتی گروهی از دانشجویان جذب فعالیت‌های هنری در وزارت ارشاد شدند.



عبدالکریم سروش

دانشگاه تربیت مدرس چگونه تأسیس شد
پالایشی میان اساتید و دانشجویان پیشین دانشگاه‌ها نیز صورت گرفت. برخی اساتید که اعتقاد بر آن بود که «ما با اینها به هیچ‌وجه نمی‌توانیم همکاری کنیم، به هیچ نحو با دانشگاه همگامی ندارند و به دلایل مختلف در آنها انتظار اصلاح و تغییر روحیه نمی‌رود» اخراج شدند و برخی دیگر نیز برای آشنایی و به کارگیری مبانی اسلامی در دوره‌های عقیدتی که عموماً توسط اساتید و مدرسان حوزه و به صورت مشخص مدرسان «موسسه در راه حق» تدریس می‌شد، شرکت کردند. در این راستا، مقدمات راه‌اندازی «مدرسه تربیت مدرس» نیز فراهم شد تا از طریق آن اساتید متکبی و انقلابی پرورش یابند. برخی دانشجویان نیز از دانشگاه اخراج شدند و پس از بازگشایی از تحصیل آنها جلوگیری شد. بازنگری‌ای نیز در متون درسی دانشگاه‌ها، مخصوصاً دروس مربوط

کشور است. از سوسی دیگر و برخلاف تصور غالب که دانشگاه‌ها تعطیل شده‌اند اما تعدادی دانشگاه جدید تأسیس می‌شود. در کنار این موضوع تعدادی از اساتید به سمت ترجمه متون دانشگاهی رفته

به علوم انسانی صورت گرفت. سعی شد در پرتو آموزه‌های اسلامی و بر مبنای منطق آن، آن دروس مورد بازنگری قرار گیرند.



علیرضا علی‌احمدی

با اینکه دانشگاه‌ها تعطیل شده بودند، دانشگاه‌ها که نمی‌توانستند بیکار بمانند. ما سابقه تشکیل جهاد سازندگی را داشتیم، یعنی در ابتدای قضیه، جهاد سازندگی هم سا کار کرده بودیم. اولش هم از درو گندم در ورامین شروع شد. مثلاً بعضی جمع‌ها به ورامین می‌رفتیم و درو و در جاهای دیگر هم کمک می‌کردیم. بعد در تابستان ۵۸ هر کدام به شهرستانی رفتیم و در جهاد سازندگی کار کردیم. مثلاً خود من در روستاهای شهرکرد در جهاد سازندگی کار می‌کردم. به این ترتیب چنین تجارتي هم داشتیم. من بیشتر در ستاد انقلاب فرهنگی وقت می‌گذاشتم و به نمایندگان منتخب حضرت امام که ستاد انقلاب فرهنگی را اداره می‌کردند، کمک می‌کردم. عده‌ای از دوستان مان هسته هسته توسعه یافت و تعدادی نیروی برای صدا و سیما و به‌عنوان مثال برای تولید فیلم فرستادیم. آقای جواد شمع‌دري کارگردان معروف یکی از آن افرادی است که همان موقع به کمیته هنری جذب نیرورفت و از مرکز آموزش فیلم‌سازی سردارآورد و دوره لیسانس مهندسی مکانیک علم و صنعت را هم تمام کرد.

عده‌ای را هم برای کمک به جهاد سازندگی فرستادیم تا به دامغان، صحنه کرمانشاه و شهرهای مختلف بروند. الان تعدادی از این افراد استادان



سیدعباس نبوی

تضاد بین جناح چپ تحکیم و حزب جمهوری اسلامی

از جمله مسائلی که در این ایام اتفاق افتاد، سخنرانی دکتر آیت بود. در بهار ۵۹ دکتر حسن آیت، مسئول شاخه سیاسی حزب سخنانی ایراد کرد که در مجموع چنین القا می‌شد که انقلاب فرهنگی یک حرکت سیاسی برای برداشتن یک جریان خاص است، در چنین شرایطی دفتر تحکیم علیه سخنان وی، موضع‌گیری کرد که از این اتخاذ موضع، بنی‌صدر اوج بهره‌برداری خودش را انجام داد و غیرمستقیم موضوع دفتر تحکیم وحدت حمایت کرد؛ لذا با جوسازی مجاهدین خلق و روزنامه انقلاب اسلامی به یک بحران تبدیل شد. حزب جمهوری اسلامی سخنان شهید آیت را نظر شخصی ایشان می‌دانست اما شاخه چپ و مخالف حزب جمهوری اسلامی در دفتر تحکیم وحدت ضمن انتشار اطلاعیه‌ای موضع خود را اعلام کرد. در قسمتی از این اطلاعیه می‌خوانیم: «آقای آیت از بنیان حزب جمهوری اسلامی و رئیس بخش سیاسی این حزب با یک سری تحلیل‌های ذهن گروایانه خویش خیال می‌کند می‌تواند نیروهای متعهد و معتقد به خط امام را به بازی گرفته و با پیوهده‌گویی‌های خود ملت را به تمسخر بکشد. ما نسبت به آنچه آقای آیت در مورد انجمن‌های اسلامی گفته اعلام جرم می‌کنیم. انقلاب فرهنگی که خواسته حتمی امام بوده و هست این گونه مورد اهانت قرار می‌گیرد که به خاطر مطالب تخیلی یک فرد ذهن‌گرا به نوطنه تعبیر می‌شود... ما قضاوت روزنامه انقلاب اسلامی را در مورد انقلاب فرهنگی محکوم می‌کنیم. اگر روزنامه انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی بخواهند ما را وارد سیاست‌بازی‌های خود کنند آنها را به محاکمه خواهیم کشید.» اما جناح راست دفتر تحکیم در موارد مختلف با شهید بهشتی و حزب جمهوری اسلامی هماهنگ عمل می‌کردند. محمدعلی سیدنژاد در این باره می‌گوید: «بنا شد با مدیران ارشد صحبت کنیم و ببینیم آیا با تعطیلی دانشگاه موافقتی یا نه. مثلاً می‌رفتیم و با آقای رجایی، بهشتی و باهنر صحبت کردیم. آقای رجایی خیلی محکم بودند و حمایت جدی کردند.»



علیرضا علی‌احمدی

می‌گفتند حزب، خط امامی نیست
جلسه‌ای باپه‌زادسلطانی، نماینده‌یچ‌ه‌های دانشگاه صنعتی اصفهان و اعضای شاخه دانشجویی حزب گذاشته شد. در این جلسه از نماینده انجمن سوال شد که اعتراض شما به حزب چیست؟ آنها گفتند ما حزب را در خط امام نمی‌دانیم؛ چرا که به منافع خود خیلی فکر می‌کنند. ایشان گفت خب خیلی از اینها منصوبان امام هستند در حزب شما؛ اینها را منصوبان امام نمی‌دانید؟ یچ‌ها گفتند که در موقعیت منصوب بودن از طرف امام به حزب ما آنها را در خط امام می‌دانیم ولی در قالب حزب بودن اینها می‌گوییم که در خط امام رفتار نمی‌کنند.

بناییه تحکیم علیه آیت غیابی نوشته شد مناقبین بحثی را روی دکتر آیت اجرا کرده بودند تا ببینند ماهیت انقلاب فرهنگی چیست. افرادی از اینها با آقای آیت ارتباط خوبی برقرارود در صحبتی خصوصی با آقای آیت، مسائلی را مطرح کرده بودند. ایشان گفته بودند که ما حرکت انقلاب فرهنگی را جهت حذف شیطنت‌های دانشگاه انجام دادیم که یکی هم بحث کار روی آقای منتظری جهت رهبری آینده بود. در این اوضاع دعوای بنی‌صدر و حزب جمهوری هم بالا گرفته بود. در این فاصله یچ‌های تحکیم سریع بنی‌یهایی را - در غیاب برخی یچ‌ها که در مسافرت بودند- صادر کردند و حالت تلقیفی به خود گرفتند. یعنی هر کس چیزی به آن اضافه کرد و سپس منتشر شد. اصل اعتراض دانشجویان نیز به این بود که اگر این سخنان دکتر آیت درست است، حزب باید و نقش خودش را در انقلاب فرهنگی بیان کند و اگر درست نیست این چه نوع انسجام تشکیلاتی است که مسئول شاخه سیاسی حزب حرف خلاف‌نظر حزب را می‌زند؟ بنابراین باید و آن را طرد کند. دانشجویان شدیداً به استقلال حرکتشان تأکید داشتند، چون در آن شرایط برخی تهمت‌ها از ناحیه بنی‌صدر، به این حرکت زده می‌شد؛ مبنی‌بر اینکه این حرکت از طرف حزب و عوامل حزب هدایت می‌شود.

حرکت خودجوش بود و ربطی به حزب نداشت
شهید آیت در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بود و در دانشگاه علم و صنعت تدریس می‌کرد. آقای دکتر اسرافیلیان از دوستان نزدیک و صمیمی شهید آیت بود. آنچه به نوار آیت مشهور است، از نظر مقطع زمانی با این قضیه فاصله دارد. یکی از مناقبین به عنوان دانشجویان داشت دیدگاه خود را نسبت به دولتمردان آن موقع (بنی‌صدر) اعلام کرد. اصلاً شهید آیت و آقای اسرافیلیان درگیر مساله انقلاب فرهنگی نبودند، بلکه حرکت خودجوشی بود که دانشجویان تصمیم گرفتند و بعد اساتید را در جریان گذاشتند و البته بعداً اساتید مسلمان حمایت و کمک کردند.

و نشر دانشگاهی ایجاد می‌شود. این اثرات علمی انقلاب فرهنگی معمولاً وجه دیده‌نشده از تاریخچه دانشگاهی در ایران پس از انقلاب اسلامی است که در ذیل به برخی از آن اشاره می‌شود.

دانشگاه هستند، اما آن موقع به آنجاها رفتند و کار می‌کردند. عده‌ای را برای کمک به سپاه و بسیج فرستادیم. این عده یادگان‌ها را اداره و به سپاه و بسیج کمک می‌کردند. قرار شد تعدادی هم روی فعالیت‌های تحقیقاتی و علمی وقت بگذارند. در نتیجه اینها که اول هسته علمی و فعالیت‌های آموزشی بودند هسته اولیه شدند که بعداً اسم‌شان جهاد دانشگاهی شد. از این افراد می‌توانیم به مهدی آخوندی که دارای دکترای دانشگاه علوم پزشکی‌اند، حسین رحیمی که مدت‌ها رئیس سازمان سنجش و رئیس سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی کشور بود و غلامرضا رحمانی که اتفاقاً از دانشگاه علم و صنعت و مدنی معاون دانشگاه امام حسین (ع) بود- ایشان در دانشگاه علم و صنعت الکترونیک می‌خواند و بعداً دکترای مدیریت آموزشی گرفت- اشاره کنم که این افراد در ذهن ما مانده‌اند. آن هسته متمرکز که دوستان مان در سطح کشور تشکیل داده بودند، مدیریت دانشگاه‌ها را هم گرفته بود و خرده‌خرده جهاد دانشگاهی از بطن آن متولد شد.

سرفصل‌های خیلی از درس‌ها را اساتید زیرنظر ستاد انقلاب فرهنگی عوض کردند، برخی رشته‌های بسیار جدید تأسیس شد و تعداد واحدها افزایش یافت. برخی دانشگاه‌ها در هم ادغام شدند و جمع‌های دانشگاهی شکل گرفت؛ مثلاً مجتمع علوم انسانی که الان دانشگاه علامه طباطبائی است، تشکیل شد که در تهران هرچه دانشکده علوم انسانی بود، حتی دانشگاه آزاد اسلامی قدیم را ادغام کردند و همه اینها به اصطلاح مجتمع علوم انسانی شد. به مجموعه‌های فنی مهندسی که خودشان دانشگاه بودند کاری نداشتند و آنها را به هم پیوسته کردند و فنی مهندسی و بعداً نامش خواجه‌نصیر شد.



دکتر وحید احمدی

بنی‌صدر می‌گفت می‌خواهند دولتم را کله پا کنند
در این ایام بنی‌صدر، درگیری‌هایش با حزب شروع شده بود؛ یعنی با مشکلاتی که دولت ایشان با حزب پیدا کرده بود، ایشان تلقی جدی داشت که داسگاه یک توطئه‌خیز است که

پیام آیت... خامنه‌ای به تحکیم وحدت
پس از ورود منافقین و گروه‌های مارکسیستی به‌فاز مسالحنه و دورترشدن بسیاری از گروه‌های سیاسی از مسیر انقلاب، گرایش به عدم استقلال دفتر تحکیم تقویت شد. دوستان طرفدار این گرایش اعتمادبه‌نفس خود را - برای حضور و فعالیت در



صادق واعظزاده

یک جریان مستقل دانشجویی اسلامی پیرو ولایت فقیه از دست داده بودند و گمان می‌کردند هر نوع تشکیل و جریان سیاسی- اجتماعی دانشجویی محکوم به انحراف و سقوط است، مگر آنکه بزرگ‌ترها و چهره‌های شناخته‌شده در راس آن باشند. در میاحی که با این دوستان داشتیم، موقتی بودن دوره دانشجویی و به تبع آن عضویت در دفتر تحکیم از یک طرف و محدود بودن عضویت در احزاب را از طرف دیگر، دلیلی برای عدم امکان تداوم فعالیت مستقل و بلندمدت دفتر می‌پنداشتند. در مقابل نظر آنها این استدلال را داشتیم که جریان دانشجویی مثل یک رود است که اگرچه دائماً تجدید می‌شود، اما رود و جریان آن همواره پابرجاست و اتفاقاً نو شدن دائمی این جریان آن است، نه نقطه ضعف آن. در هرحال این تقریط تا حدودی نتیجه آن افراط و انحراف دوری گروه‌های سیاسی از راه امام و انقلاب و روحانیت پیرو امام بود. در نشست سراسری دفتر تحکیم وحدت از رهبر فرزانه انقلاب که در آن هنگام در کسوت ریاست جمهوری بودند، پیام افتتاحیه درخواست کردیم که عنایت فرمودند. در این پیام تاریخی ایشان ضمن تحلیلی از ویژگی‌های دانشجویی، از پیشگامی دانشجویان در حرکت مردم‌قبل از فراگیر شدن انقلاب، سخن گفتند و بیان داشتند که حضور میلیونی مردم به‌رهبری امام جایی برای پیشگامی جریان دانشجویی باقی نگذاشت و این جریان حداکثر توانست همراه مردم حرکت کند. آنگاه رهنمود داده بودند که اکنون جریان دانشجویی باید به موضع پیشگامی خود بازگردد اما رزمه‌هایی به گوش رسید که در اصالت پیام و استقلال ریاست جمهوری در صدور آن تردید روا دارد. من که خودم به واسطه پیام را از دفتر ریاست جمهوری دریافت کرده بودم و می‌دانستم تا قبل از دریافت آن هیچ کس در دفتر تحکیم از محتوای آن باخبر نبوده است، به همه در اصالت پیام اطمینان دادم.